

دکتر دیو متیوسون، ادبیات عهد جدید، سخنرانی ۱۳، اعمال رسولان

© 2024 دیو متیوسون و تد هیلدبرانت

این تاریخ و ادبیات عهد جدید دکتر دیو متیوسون، سخنرانی ۱۳، کتاب اعمال رسولان است.

بسیار خوب، بیایید جلو برویم و شروع کنیم.

آنچه ما قصد داریم انجام دهیم این است که امروز به کار خود ادامه دهیم تا از طریق کتاب اعمال رسولان کار کنیم. ما به تازگی شروع به کار کرده ایم، بنابراین کمی در مورد آنچه در مورد نوع آرایش و ساختار کلی کتاب گفتیم مرور خواهیم کرد. و سپس، مشابه نحوه برخورد با انجیل ها، روی موضوعات اصلی و برخی از متون اصلی که می خواهیم در کتاب به آنها توجه کنید، تمرکز خواهیم کرد.

و سپس با نگاهی به مثالی از یکی از مسائلی که معمولاً هنگام خواندن کتاب اعمال رسولان باید با آن روبرو شویم به پایان برسانیم. و ما به نوعی از این متن به عنوان یک مورد آزمایشی برای نحوه تفسیر کتاب استفاده خواهیم کرد، یا حداقل برخی از سوالاتی که باید مطرح کنیم و با آنها کنار بیاییم.

بنابراین، بیایید با دعا شروع کنیم و سپس جزئیات بیشتری را در کتاب اعمال رسولان بررسی خواهیم کرد. ای پدر، باز هم از تو سپاسگزارم که فرصتی برای توقف و تجزیه و تحلیل کلام خود را با توجه به محیط و زمینه اصلی آن فراهم کردم، اما همچنین در انجام این کار، متوجه شدم که آن مجموعه اسناد بسیار متنی که در زمینه قرار دارند، امروز به عنوان کلام تو با ما صحبت می کنند. و من دعا می کنم که ما به آن توجه داشته باشیم و تشخیص دهیم که ما با چیزی کمتر از کلام شما سر و کار نداریم. بنابراین، به تمام انرژی و انضباط و تمام توانایی ها و توانایی های ذهنی و معنوی ما نیاز دارد. این امر مستلزم آوردن همه اینها به متن است تا سعی کنید آن را تا حد امکان واضح و دقیق درک کنید. به نام عیسی، ما دعا می کنیم، آمین.

بسیار خوب، در آخرین دوره کلاسی که به آن نگاه کردیم، شروع کردیم به بررسی اعمال رسولان تا آنجا که ساختار و رابطه آن با عهد عتیق است.

من به شما پیشنهاد کردم که متن کلیدی برای درک کتاب اعمال رسولان فصل 1، آیه 8 است. در جایی که عیسی، در همان ابتدای کتاب، در حالی که شاگردانش را خطاب قرار می دهد، پیروانش، که ما در متی، مرقس، لوقا و یوحنا بیشتر در مورد آنها می خوانیم، همانطور که عیسی اکنون پیروانش را پس از مرگش و رستاخیزش خطاب می کند، اکنون عیسی به آنها یادآوری می کند یا آنها را با مأموریت خود رها می کند. و آن این است که، عیسی می گوید، آنها باید منتظر او بمانند، منتظر بمانند، و اینکه او، در آیه 8، هنگامی که روح القدس بر شما نازل شود، قدرت خواهند گرفت و شما شاهدان من در اورشلیم، در تمام یهودیه و سامره و تا اقصی نقاط زمین خواهید بود. حالا چیزی که در این مورد مهم است این است که من پیشنهاد کردم که این در درجه اول یک استراتژی برای نحوه انجام مأموریت ها نیست، بلکه مستقیماً از کتاب عهد عتیق اشعیا آمده است.

بنابراین تمام آن متون، اشاره به قدرت یا روح القدس که از بالا بر آنها می آید، اشاره به شاهد بودن، و ارجاعات به رفتن به اقصی نقاط زمین، همه اینها مستقیماً از کتاب اشعیا بیرون می آیند تا آنچه عیسی اساساً می گوید اکنون همان چیزی است که اشعیا پیش بینی کرده بود، وعده اشعیا برای احیای قوم خدا و گسترش ملکوت خدا و جلال او به اقصی نقاط زمین، اکنون در شخص عیسی مسیح و پیروانش محقق می شود که با قدرت روح القدس، پیشگویی اشعیا و بینش او را برای احیا و گسترش پادشاهی خدا و جلال او در اقصی

نقاط جهان محقق خواهند کرد. بنابراین دوباره، اعمال رسولان فصل 1 آیه 8 در درجه اول در مورد نحوه انجام مأموریت ها نیست، بلکه در درجه اول در مورد این است که چگونه عیسی مسیح و پیروانش برنامه احیای را همانطور که در کتاب اشعیا یافت می شود، انجام می دهند. بنابراین، متوجه خواهید شد که بخش دوم یادداشت های شما، در زیر ارجاعاتی که به اشعیا 32، 43 و 49 داده ام، از سوی دیگر، فصل 1 آیه 8 نیز نوعی طرح کلی برای چگونگی ادامه کتاب و چگونگی توسعه آن در تحقق بینش اشعیا برای احیا ارائه می دهد.

بنابراین، برای مثال، بخش اول، که شما شاهد من در اورشلیم خواهید بود، اساسا با شش فصل اول یا بخش اول فصل 6 اعمال رسولان مطابقت دارد، و سپس این واقعیت که انجیل قرار است به یهودیه و سامره گسترش یابد در چند فصل بعدی اعمال رسولان، اعمال رسولان فصل 6 تا فصل 9 منعکس شده است. و سپس فصل های 12-28 مربوط به انتهای زمین است، جایی که پولس رسول در روم به پایان می رسد و این خبر خوش را موعظه می کند، دوباره، در تحقق وعده اشعیا برای احیا. بنابراین، به همین دلیل، اعمال رسولان فصل 1 آیه 8 بسیار مهم است زیرا آن را به کتاب اشعیا و عهد عتیق مرتبط می کند، اما همچنین طرح کلی را برای چگونگی توسعه بقیه اعمال رسولان ارائه می دهد، به نوعی در گسترش دایره های متحدالمرکز، در بر گرفتن سرزمینی که بسیار فراتر از اورشلیم حرکت می کند. بنابراین، با توجه به این موضوع، می توانیم بگوییم که هدف کتاب اعمال رسولان در درجه اول نشان دادن این است که چگونه این انجیل ریشه در متی، مرقس، لوقا و یوحنا، به ویژه لوقا دارد، زیرا به یاد داشته باشید اعمال رسولان بخشی از یک اثر دو جلدی است، همراه با لوقا، اما این انجیل که اکنون عیسی در مورد پادشاهی و تحقق عهد عتیق آورده است، اکنون اعمال رسولان نشان می دهد که چگونه آن انجیل گسترش می یابد تا سرزمین های کمتر و کوچکتر یهودی را در بر بگیرد، دوباره، در تحقق عهد عتیق، و به ویژه کتاب اشعیا.

چگونه انجیل از اورشلیم حرکت می کند، از آنجا خارج می شود تا به سرزمین های کمتر و کمتر یهودی بپردازد و در آغوش بگیرد و در نهایت به روم و اقصی نقاط زمین ختم می شود. بنابراین، ما به آن برمی گردیم و می پرسیم که چگونه این برای نحوه درک مژده در یک لحظه مهم است، اما آن را به عنوان هدف اصلی اعمال رسولان تشخیص می دهیم. این کتاب روایت می کند که چگونه انجیلی که عیسی اعلام می کند و به انجام می رساند و در انجیل ها تحقق می یابد، چگونه اکنون به مکان هایی گسترش می یابد که کمتر و کمتر یهودی هستند.

شروع به عبور از موانع و مرزهای فرهنگی می کند. حال قبل از اینکه ادامه دهیم، فقط برای بازگشت به اولین آیه اعمال رسولان برای نشان دادن ارتباط، گفتیم اعمال رسولان و لوقا هر دو متعلق به یک اثر دو جلدی هستند. اعمال رسولان و لوقا، قبل از اینکه در عهد جدید گنجانده شوند، یک کتاب دو جلدی را تشکیل می دادند.

توجه کنید که چگونه آیه اول فصل اول آغاز می شود، در کتاب اول، تئوفیلوس، تئوفیلوس شخصی است که در لوقا فصل اول مورد خطاب قرار گرفته است، و بنابراین اولین کتابی که در اعمال رسولان فصل 1 به آن اشاره شده است به کتاب لوقا اشاره دارد. بنابراین، در کتاب اول، این انجیل لوقا است، که ما آن را لوقا می نامیم، تئوفیلوس، من در مورد همه کارهایی که عیسی از ابتدا انجام داد و تعلیم داد، نوشتم، تا روزی که او به آسمان برده شد، پس از دادن دستورالعمل ها از طریق روح القدس به رسولانی که برگزیده بود. بنابراین اکنون اعمال رسولان ادامه آن داستانی خواهد بود که در انجیل لوقا آغاز شد.

حالا قبل از اینکه به برخی از متن های مهم اعمال رسولان نگاه کنیم، یک چیز جالب، با توجه به شباهت های آن با اشعیا، دوباره کتاب اشعیا، به ویژه نیمه دوم آن را گفتیم، اما کل کتاب برنامه ای برای احیا را ارائه می دهد که با نجات در اورشلیم آغاز می شود. یعنی قوم خدا، اسرائیل، باید به اورشلیم بازگردانده شوند. خدا قومش را باز خواهد گرداند.

به یاد داشته باشید، زمانی که اشعیا نوشته شد، قوم خدا در تبعید بودند، یا به دلیل گناه و بت پرستی خود آماده تبعید بودند، و بنابراین اشعیا زمانی را پیش بینی می کند که قوم خدا از تبعید به اورشلیم بازگردانده شوند و بازگردانده شوند، اما این صرفاً آماده سازی برای احیای پادشاهی ها است. همچنین به یاد داشته باشید که در این زمان، زمانی که اشعیا نوشته شد، اسرائیل به دو پادشاهی تقسیم شد. آیا نظرسنجی عهد عتیق خود را با پروفیسور ویلسون، هیلدبرانت یا پروفیسور فیلیپس به یاد دارید؟

پادشاهی تقسیم شده، پادشاهی اسرائیل به اسرائیل و یهودا تقسیم شده بود. بنابراین، به نظر می رسد، مانند اشعیا برای مدتی که دو پادشاهی احیا می شوند، به آن نگاه می کند. یک قوم خدا وجود خواهد داشت.

نجات به اورشلیم خواهد آمد. آنها شاهد خواهند بود تا نجات در نهایت به اقصی نقاط زمین برسد. پس ما نیز گفتیم که اعمال رسولان از همین طرح پیروی می کند.

با نجات در اورشلیم و پادشاهی های احیا شده آغاز می شود. جالب اینجاست که پس از خروج انجیل از اورشلیم چه اتفاقی می افتد؟ یکی از اولین مکان هایی که رسولان شروع به رفتن به آن کردند، سامره بود که پادشاهی شمالی اسرائیل بود. و این یکی از دلایلی است که اعمال رسولان به سامره، اورشلیم، یهودیه و سامره اشاره می کند، زیرا این بخشی از وعده اشعیا برای احیا بود، که دو پادشاهی که از هم جدا شده بودند به عنوان قوم واحد خدا احیا خواهند شد.

و سپس آنها باید شاهدان او باشند تا نجات در نهایت به اقصی نقاط زمین برسد. اعمال رسولان 28 با رفتن انجیل به روم از طریق پولس رسول، یکی از شاگردان عیسی، به پایان می رسد. حالا یک چیز جالب، این به ما کمک می کند، فکر می کنم این به ما کمک می کند تا یک متن جالب را درک کنیم که همیشه کمی مرا گیج کرده است.

و یعنی، درست پس از اعمال رسولان فصل 1 آیه 8، شما این را می خوانید، عیسی به شاگردانش ظاهر می شود و به آنها می گوید، شما در اورشلیم، یهودیه، سامره، تا اقصی نقاط زمین شاهد من خواهید بود، زمانی که من روح خود را بر شما ریختم، دوباره در تحقق اشعیا. و سپس اعمال رسولان فصل 1 با این داستان جالب به پایان می رسد، از آیه 15 شروع می شود، من هنوز در فصل 1 هستم، این درست در ابتدای کتاب است. در آن روزها، پطرس در میان مسیحیان، ایمانداران ایستاد و گفت، دوستان، کتاب مقدس باید محقق شود که روح القدس از طریق داوود در مورد یهودا پیشگویی کرد که راهنمای کسانی شد که عیسی را دستگیر کردند.

حالا این شما را به انجیل ها برمی گرداند. همه به یاد دارند که درست قبل از مصلوب شدن و کشته شدن عیسی، یکی از دوازده شاگرد او، یهودا، به عیسی خیانت کرد و اساساً دیگر یکی از دوازده نفر نیست. بنابراین، مشکل این است که شما اکنون با یازده شاگرد باقی مانده اید.

و بنابراین، اعمال رسولان فصل 1 با انتخاب یک شاگرد دیگر توسط مردم به پایان می رسد. به عنوان مثال، می گوید که آنها در واقع قرعه انداختند و قرعه کشتی بر روی شخص خاصی به نام ماتیاس فرود آمد و او شاگرد شماره دوازده بود. بنابراین، آیه 26 فصل 1 به پایان می رسد و آنها برای آنها قرعه انداختند و قرعه بر ماتیاس افتاد و او به یازده رسول اضافه شد.

بنابراین اکنون شما دوباره دوازده دارید. حالا اهمیت آن داستان چیست؟ چرا آنها نیاز داشتند، منظورم این است که اول از همه، می توانید پرسید، خوب، چرا یازده کافی نیست؟ منظورم این است که مطمئناً، به خصوص که یهودا آدم بدی بود، بنابراین عیسی می توانست با یازده نفر به هدف خود برسد. چرا یکی دیگر

لازم بود؟ چرا لوقا نیاز به ثبت آن داشت؟ چه اتفاقی می افتد که لوقا بر این واقعیت تأکید می کند که رسول دوازدهم اضافه شد؟ باز هم عیسی دوازده رسول را در انجیل ها انتخاب کرد که یکی از آنها، یهودا، فرار کرد.

بنابراین، در ابتدای اعمال رسولان به یازده نفر می رسید. فقط یازده رسول وجود دارد، و اکنون اعمال رسولان، نویسنده اعمال رسولان، به نکته ای اشاره می کند تا تأکید کند که آن رسول دوازدهم اضافه شده است. فکر می کنید دلیل آن چیست؟ این اندازه گروه کوچک ایده آل است، یا چه اتفاقی می افتد؟ باز هم، اهمیت عدد دوازده چه بود؟ چرا عیسی در وهله اول دوازده رسول را انتخاب کرد؟ بله، دوازده رسول نماینده دوازده قبیله اسرائیل بودند.

با جمع آوری دوازده رسول، کاری که عیسی انجام می داد این بود که می گفت این قوم جدید خدا است. قوم جدید خدا دیگر حول ملت اسرائیل و دوازده قبیله نمی چرخد، بلکه قوم جدید خدا، از جمله اسرائیل، اکنون بر اساس عیسی و رسولانش استوار هستند. به همین دلیل است که او دوازده نفر را انتخاب می کند، تا نشان دهد که این قوم جدید خدا هستند، که تحقق نیت واقعی خدا برای اسرائیل را به ارمغان می آورند.

پس چرا در اعمال رسولان دوازدهمین رسول دارید؟ نه، فکر نمی کنم، فکر می کنم، در واقع، پولس این کار را می کند. بعدا خواهیم دید، پولس فکر می کند که او، به نظر می رسد که او به نوعی اضافه شده به دوازده نفر است، اما من فکر می کنم که ماتیاس در اینجا یک اصل بود، یکی از دوازده رسول اصلی. او قرار بود باشد، بله.

این سوال بسیار خوبی است. بنابراین بله، این نکته خوبی است. این اشتباه نیست که، او، او، ما آدم اشتباهی گرفتیم، بیاید دوباره امتحان کنیم، و سپس آنها پل را گرفتند.

به نظر می رسد خود پل در نامه هایش فکر می کند که او به دوازده نفر اضافه شده است. بنابراین، من فکر می کنم که این مشروع است و قرار بود این اتفاق بیفتد. اما توجه داشته باشید که بخشی از وعده اشعیا برای احیا، احیای قوم خدا است.

بنابراین، با انتخاب رسولی دوازدهم، گویی نویسنده اعمال رسولان می خواهد روشن کند که اکنون اسرائیل در حال احیا است. قوم خدا با انتخاب دوازدهمین رسول احیا می شوند. و به یاد داشته باشید، حواریون نماینده دوازده قبیله اسرائیل هستند.

بنابراین، لازم است که اعمال رسولان، نویسنده اعمال رسولان این داستان را بگنجاند، زیرا دوباره، او پیشگویی را نشان می دهد که اشعیا توسط ملت ها در حال تحقق است، ملت اسرائیل با انتخاب رسول دوازدهم احیا می شود. بنابراین باید دوازده نفر می شدند زیرا دوازده رسول با دوازده قبیله اسرائیل مطابقت دارند. بنابراین دوباره، آنچه در اعمال رسولان می گذرد این است که می گوید وعده اشعیا برای احیا که با احیای قبایل اسرائیل آغاز می شود، اکنون محقق می شود، اما نه از طریق اسرائیل ملی، بلکه اکنون از طریق این قوم جدید خدا که نه بر اساس دوازده قبیله احیا شده، بلکه دوازده رسول عیسی مسیح بنا شده است.

بنابراین، می بینید، قوم جدیدی از خدا در حال شکل گیری است که از مرزهای ملی عبور می کند. قوم جدیدی از خدا در حال شکل گیری است که به هویت یهودی یا اطاعت از شریعت بستگی ندارد، بلکه صرفا به ایمان به شخص عیسی مسیح بستگی دارد. و دوباره، نویسنده اعمال رسولان نشان می دهد که با انتخاب کلیسا دوازدهمین رسول.

بنابراین اکنون دوازده قبیله، پادشاهی های احیا شده از اشعیا اکنون توسط یک رسول دوازدهم انجام می شود که دوباره به عنوان پایه و اساس این قوم جدید خدا انتخاب می شود که اکنون هدفی را که خدا برای

قوم خود اسرائیل در نظر گرفته بود، به انجام خواهد رساند. اما دوباره، قوم خدا که شامل اسرائیل می شود، اما محدود به اسرائیل نیست، غریبه‌ودیان را نیز شامل می شود، زیرا اکنون عامل تعیین کننده دیگر هویت ملی یا حفظ شریعت نیست. عامل تعیین کننده ایمان به عیسی مسیح است.

و اگر اینطور باشد، پس غریبه‌ودیان و یهودیان می توانند بخشی از این قوم جدید خدا باشند که بر اساس دوازده رسول بنا شده است، نه دوازده قبیله اسرائیل. بسیار خوب، فقط تعدادی متن کلیدی. من می خواهم فقط روی سه مورد از آنها تمرکز کنم، اگرچه ما به چند عنصر دیگر نیز نگاه می کنیم که منحصر به فرد اعمال بشر هستند.

اما اولین مورد اعمال رسولان فصل 2 است که ریختن روح القدس بر قوم خدا که در اورشلیم جمع شده اند را ثبت می کند. اما نکته کلیدی در اینجا این است که این رویداد به وضوح به عهد عتیق مرتبط است. به عبارت دیگر، این هر چقدر هم که غیرمنتظره باشد، یک رویداد بی سابقه و منحصر به فرد نبود.

در عهد عتیق پیش بینی شده بود. زیرا وقتی پطرس باید بایستد و از آنچه در حال وقوع است دفاع کند، می گوید که برخی از تماشاگران فکر می کردند که مست هستند زیرا مردم از روح القدس پر شده بودند و اکنون به زبان ها صحبت می کردند و تماشاگران فکر می کردند که مست هستند. بنابراین، پطرس باید بلند شود و توضیح دهد که چه اتفاقی می افتد، و او آن را با پیوند دادن آن به عهد عتیق توضیح می دهد.

یکی از پیامبران، یوئیل، نشان می دهد که آنچه اتفاق می افتد چیزی کمتر از آنچه عهد عتیق پیشگویی و پیش بینی کرده است، نیست. یعنی باز هم عهد عتیق، همانطور که کتاب اشعیا و حزقیال، ارمیا و بیشتر پیامبران دیگر پیش بینی می کردند که روزی خدا قوم خود را احیا خواهد کرد و روح خود را بیرون خواهد ریخت و پیمان جدیدی با آنها برقرار خواهد کرد. اکنون پطرس و نویسندگان اعمال رسولان روشن می کند که این در حالی اتفاق می افتد که روح القدس بر پیروان عیسی در اورشلیم ریخته می شود.

بنابراین، ایده آمدن روح القدس بر قوم خدا یک چیز کلیسای منحصر به فرد نیست. این چیزی نیست که فقط به کلیسا تعلق داشته باشد، یا اینکه نویسندگان اعمال رسولان برای او جدید است، اما به وضوح تحقق آنچه در عهد عتیق پیش بینی شده بود، است. بنابراین، این روح القدس که در اعمال رسولان فصل 2 بر قوم خدا ریخته می شود، به سادگی بخشی از تحقق عهد جدید است.

به یاد داشته باشید که پیامبران روزی را پیش بینی می کردند که خدا پیمان جدیدی با قوم خود ببندد. عهد قدیمی شکست خورد زیرا اسرائیل از آن سرپیچی کرد و به آن عمل نکرد. بنابراین، خدا عهد جدیدی برقرار می کند و بخشی از آن عهد جدید این است که خدا روح خود را بر قوم خود می ریزد.

این در حال حاضر در اعمال رسولان فصل 2 اتفاق می افتد. بنابراین، اعمال رسولان 2 متن بسیار مهمی است، زیرا نه تنها تحقق آنچه عیسی وعده داده بود، بلکه در فصل 1 آیه 8 به یاد بیاورید، این است که وقتی روح القدس را دریافت می کنند، روح القدس یا قدرت را از بالا دریافت خواهند کرد. بنابراین، این نه تنها تحقق سخنان عیسی است، بلکه تحقق عهد عتیق است. بنابراین، به همین دلیل، اعمال رسولان ۲ بسیار مهم است.

این آغاز احیا و نجاتی است که در پیامبران عهد عتیق وعده داده شده بود. متن مهم دیگر اعمال رسولان فصل 10 است و ما چندین فصل را به جلو می پریم، اما اعمال رسولان فصل 10. این است، من شروع به خواندن داستان می کنم، من همه چیز را نمی خوانم، اما این داستان یک افسر رومی است که یک نظامی رومی بود، و بنابراین یک غریبه‌ودی بود، نه یک یهودی، و اسمش کورنلیوس بود.

و بنابراین، می گوید، در قیصریه، مردی به نام کورنلیوس وجود داشت، یک افسر رومی از گروه ایتالیایی، همانطور که به آن می گفتند. او مردی معتقد بود که از خدا می ترسید. در قرن اول دسته ای از مردم همراه با یهودیان و غیریهودیان وجود داشت که به عنوان خداترس شناخته می شدند.

و بنابراین، این یکی از آن خداترس ها است. او مردی معتقد بود که با تمام خانواده اش از خدا می ترسید. او سخاوتمندانه به مردم صدقه می داد و دائما به درگاه خدا دعا می کرد.

یک روز بعد از ظهر در حدود ساعت سه، او رویایی دید که در آن به وضوح فرشته ای از خدا را دید که وارد می شود و به او می گوید، کورنلیوس. او با وحشت به او خیره شد و گفت: خداوند، این چیست؟ فرشته پاسخ داد: «دعاها و صدقات شما به عنوان یادگاری در حضور خدا بالا رفته است. اکنون مردان را به یافا بفرستید زیرا شمعون خاصی که پطرس نامیده می شود، نزد شمعون پیتر، دباغی که خانه اش در کنار دریا است، اقامت دارد.

هنگامی که فرشته ای که با او صحبت کرد رفته بود، دو نفر از غلامان خود و یک سرباز متدین را از صفوف کسانی که به او خدمت می کردند فراخواند و پس از گفتن همه چیز، آنها را نزد یافا فرستاد. بنابراین این جایی است که پیتر قرار است باشد. حدود ظهر روز بعد، هنگامی که آنها در سفر خود بودند و به شهر نزدیک می شدند، پطرس برای دعا به پشت بام خانه خود رفت.

گرسنه شد و چیزی برای خوردن می خواست و در حالی که در حال آماده شدن بود، غذایش در حال آماده شدن بود، به خلسه افتاد. حالا منظور من این است که خلسه احتمالا یک تجربه از نوع رویایی است، بسیار شبیه به نویسنده مکاشفه بود. نویسنده مکاشفه در روح است و در واقع به آسمان صعود می کند و این رویا را می بیند.

بدیهی است که ما بیشتر در مورد مکاشفه صحبت خواهیم کرد، اما این نوعی خلسه است که در اینجا اتفاق می افتد. او دید که آسمان باز است و چیزی شبیه یک ملحفه بزرگ پایین می آید و از چهار گوشه آن به زمین پایین آمده است. در این ورق انواع موجودات چهار پا و خزندگان و پرندگان هوا وجود داشت.

آنگاه صدایی شنید که می گفت: ای پطرس، برخیز اینها را بکش و بخور. اما پطرس گفت، به هیچ وجه ای خداوند، زیرا هرگز چیزی ناپاک یا ناپاک نخورده ام. صدا بار دیگر به او گفت، آنچه را که خدا پاک کرده است، نباید بی حرمت و نجس کنی.

این سه بار اتفاق افتاد و سپس ناگهان آن چیز به آسمان برده شد. حالا اینجا چه خبر است؟ رؤیایی که پطرس دارد مربوط به ورقه ای است که شامل تمام این حیواناتی است که طبق شریعت عهد عتیق نجس اعلام شده اند. و اکنون، در یک رویا، پطرس این را می بیند و صدایی از آسمان می شنود، احتمالا صدای خدا یا صدای الهی، که می گوید اکنون این حیواناتی که طبق شریعت عهد عتیق نجس اعلام شده بودند، اکنون پاک هستند.

یعنی شما آزاد هستید که آنها را بخورید. هدف از این کار چیست؟ اینجا چه خبر است؟ باز هم، شما دو چیز متفاوت در حال وقوع هستید. از یک طرف، شما کورنلیوس را دارید، که یک افسر رومی غیریهودی است، و او مردان را به یافا می فرستد، جایی که پطرس است.

و سپس شما این داستان را دارید که پطرس این رویا را داشت، و رؤیایی از این حیوانات که طبق شریعت عهد عتیق، عهد موسی، نجس اعلام شدند، و اکنون آنها پاک اعلام شده اند. اینجا چه خبر است؟ آیا این واقعا فقط در مورد ارضای گرسنگی پیتر است؟ این دو داستان چگونه به هم متصل می شوند؟ دوباره، داستان این

افسر رومی غیریهودی، و سپس داستان پطرس، یکی از رسولان عیسی، که این رویا از غذا را دارد که اکنون خدا آن را پاک اعلام می کند. Үер? بسیار خوب، این، بله، شما در ذکر غیریهودیان حق دارید زیرا آنچه در اینجا اتفاق می افتد فقط یک اظهار نظر در مورد حیوانات نیست، بلکه در مورد غیریهودیان نیز هست.

بنابراین، به پطرس نشان داده می شود که شریعت، قانون عهد عتیق که شما را در غیریهودی متمایز می کند، دیگر نمی تواند آن نقش را ایفا کند. اکنون انجیل می تواند به غیریهودیان و یهودیان نیز برسد. بنابراین، با داشتن این بینش در آن زمان، گفتن اینکه همه غذاها اکنون پاک هستند، گوی خدا نیز می گوید که اکنون غیریهودیان نیز پاک هستند و اکنون می توانند به عنوان اعضای برابر قوم خدا پذیرفته شوند.

این با نشان دادن به پطرس نشان داده می شود که شریعت عهد عتیق دیگر بین یهودی و غیریهودی تقسیم نمی کند. به یک معنا، لغو شده است، و در مسیح به تحقق رسیده است. دوباره، شما در مورد آن فکر کنید، قوانین غذایی، قوانین غذایی در عهد عتیق که یهودیان را از خوردن انواع خاصی از غذا یا انواع خاصی از گوشت منع می کرد، یکی از کارکردهای آنها این بود که به عنوان یک نشانگر هویت برای متمایز کردن یهودیان از سایر ملت ها، یهودیان از سایر ملت ها عمل می کرد.

علاوه بر این، در مورد آن فکر کنید، در کلیسای اولیه، کلیسای اولیه که در آن تمایز بین یهودی و غیریهودی اغلب آشکارتر می شد، دوباره، در مورد آن فکر کنید، کلیسا شروع به گسترش از اورشلیم به یهودیه، سامره و تا اقصی نقاط زمین می کند. به عبارت دیگر، کلیسا به طور فزاینده ای غیریهودی می شود. حال، همانطور که کلیسا این کار را انجام می دهد، یکی از مکان ها و یکی از زمان هایی که تمایز بین یهودیان و غیریهودیان شدیدتر خواهد بود، زمانی است که آنها می نشستند و غذا می خوردند، زیرا یهودیان از خوردن انواع خاصی از غذا و گوشت منع می شدند، طبق قانون عهد عتیق، جایی که غیریهودیان چنین تردیدی نداشتند.

بنابراین دوباره، کاری که این رویا انجام می دهد این است که به پطرس نشان می دهد که اکنون، با آمدن مسیح و تمام این رویدادهایی که با نزول روح القدس و با آمدن مسیح رخ داده است، اکنون غیریهودیان پاک اعلام شده اند، و اکنون غیریهودیان می توانند قوم خدا در یک سطح برابر با یهودیان شوند. و بنابراین، قوانین غذایی دیگر اعمال نمی شود، آنها دیگر این تمایزات را بین یهودی و غیریهودی ترسیم نمی کنند. و پطرس می تواند احساس راحتی کند که غذا بخورد، می تواند بنشیند و با آنها غذا بخورد، می تواند از آنها استقبال کند، می تواند به آنها موعظه کند و از آنها به عنوان قوم واقعی خدا استقبال کند.

بنابراین، فصل 10 نقش بسیار مهمی در توسعه کتاب اعمال رسولان ایفا می کند. باز هم، هدف اعمال رسولان این است که نشان دهد چگونه انجیل شروع می شود، که خدا در آغاز، در یک محدوده نسبتاً تنگ یهودی، شروع به گسترش و در آغوش گرفتن مردمی با میراث کمتر و کمتر یهودی می کند، یعنی غیریهودی تر تا زمانی که به اقصی نقاط زمین برسد. همانطور که این اتفاق می افتد، دوباره، شما با مشکلاتی از این دست روبرو خواهید شد.

سوالی را که اکثر یهودیان می پرسیدند به یاد بیاورید، قوم واقعی خدا چه کسانی هستند؟ قوم خدا بودن به چه معناست؟ خوب، این بدان معناست که من به عنوان یک یهودی زندگی می کنم، من شریعت موسی را می پذیرم، برای مردان که به معنای ختنه شدن بود، برای همه کسانی که به معنای رعایت قوانین غذا، رعایت سبت و غیره بود. و بنابراین، سوال این است که همانطور که کلیسا بیشتر و بیشتر غیریهودی می شود، یعنی افرادی که شریعت را رعایت نمی کنند، چه چیزی از آنها خواسته می شود؟ آیا آنها باید شریعت را حفظ کنند تا قوم خدا باشند؟ و بنابراین، این بینش یادآوری برای مردم است، برای پطرس، نه، شریعت دیگر نقشی در تعریف اینکه قوم خدا چه کسانی هستند ایفا نمی کند. نشانگرهای شناخته شده هویت یهودی، مانند ختنه،

خوردن گوشت های خاص و نگه داشتن سبت، دیگر نقشی در تعریف اینکه قوم خدا چه کسانی هستند، ایفا نمی کنند.

و این هدف این بینشی است که پطرس دارد. در اعلام پاک بودن همه غذاها، شریعت دیگر نقشی در تعیین اینکه قوم خدا چه کسانی هستند، ایفا نمی کند. اما اکنون غریبه‌ودیان نیز پاک هستند و می توانند به عنوان قوم واقعی خدا پذیرفته شوند.

متن مهم بعدی در اعمال رسولان، شورای معروف اورشلیم است. در واقع، این ممکن است یکی از مهم ترین متن ها باشد، ممکن است مهم ترین متن در کتاب اعمال رسولان باشد. و من می خواهم شما این تاریخ را بدانید، 70 پس از میلاد، متاسفم، من تاریخ اشتباهی را در آنجا گرفتم.

این چیز دیگری بود. شما باید 70 میلادی را بدانید، زیرا آن زمان بود که معبد ویران شد. مطمئن نیستم که چگونه آن را به آنجا رساندم.

اما به هر حال، شورای اورشلیم می تواند آن را با اعمال رسولان فصل 15 مرتبط کند. اکنون آنچه در مورد شورای اورشلیم مهم است، دوباره، این سوال است که برای تبدیل شدن به قوم واقعی خدا چه چیزی لازم است. قوم واقعی خدا چه کسانی هستند؟ آیا شریعت موسی، در رعایت شریعت موسی، و زندگی به عنوان یک یهودی برای تبدیل شدن به قوم خدا ضروری است؟ و دوباره، به ویژه برای مردان، این به معنای ختنه به عنوان نشانه عهدی بود که خدا تمام راه را به ابراهیم و موسی داد، نشانه تعلق به قوم عهد خدا.

بنابراین این مسئله ای است که، دوباره، همان موضوعی که در فصل 10 به آن پرداخته شد، اما اکنون به نوعی به اوج خود می رسد به طوری که کلیسای اولیه به نوعی اولین شورای را فرا می خواند که در آن قرار است در مورد این موضوع بحث کنند و به یک معنا تصمیم بگیرند. یعنی قوم واقعی خدا چه کسانی هستند؟ برای تعلق به قوم خدا چه چیزی لازم است؟ و مشکل این است که وقتی شروع به خواندن اعمال رسولان فصل 15 می کنید، اینگونه شروع می شود. سپس افراد خاصی از یهودیه آمدند و به مسیحیان دیگر تعلیم دادند که تا زمانی که طبق رسم موسی ختنه نشوید، نمی توانید نجات پیدا کنید.

بنابراین این یک نوع مسئله بود، ختنه است. و دوباره، مسئله فقط ختنه برای مردان نبود. این فقط نشانه ای بود که شما کل شریعت موسی را پذیرفتید و از شریعت موسی اطاعت خواهید کرد.

بنابراین، سوال این است که آیا اطاعت از شریعت موسی برای تعلق به قوم خدا و نجات یافتن ضروری است؟ بعد از این که پولس و برنابا اختلاف نظر و بحث کوچکی با آنها نداشتند، پولس و برنابا و برخی دیگر منصوب شدند تا به اورشلیم بروند تا این مسئله را با حواریون و بزرگان در میان بگذارند. بنابراین، آنها به راه خود از کلیسا رفتند، متاسفم، و توسط کلیسا به راه خود فرستاده شدند، و همانطور که از فنیقیه و سامره عبور می کردند، بازگشت غریبه‌ودیان را گزارش کردند و شادی زیادی را برای همه ایمانداران به ارمغان آوردند. هنگامی که آنها به اورشلیم آمدند، توسط کلیسا و رسولان و بزرگان مورد استقبال قرار گرفتند و همه کارهایی را که خدا با آنها انجام داده بود گزارش دادند.

اما برخی از ایمانداران که از فرقه فریسیان بودند برخاستند و گفتند: لازم است که آنها ختنه شوند تا شریعت موسی را حفظ کنند. بنابراین دوباره، آنها این گزارش ها را می شنوند که همه غریبه‌ودیان، مانند کرنلیوس، نزد مسیح می آیند و به انجیل پاسخ می دهند، دوباره، از متی، مرقس، لوقا، و یوحنا، و انجیلی که رسولان موعظه می کردند. و فریسیان می گفتند، خوب، این کافی نیست.

آنها همچنین باید طبق شریعت عهد عتیق نیز تسلیم شریعت موسی شوند. دوباره، برای مردانی که ختنه می شوند، برای همه، سبت، قوانین غذا، و سایر قوانین به وضوح فرد را به عنوان یک یهودی به عنوان متعلق به قوم خدا مشخص می کند. و به همین دلیل، شورای اورشلیم، که شورای اورشلیم نامیده می شود، با هم تشکیل جلسه می دهد و اساسا در این مورد تصمیم می گیرد.

اگرچه، دوباره، کلیسا روز بعد از خواب بیدار نشد و همه چیز خوب بود. هنوز مدتی طول کشید تا این کار انجام شود. و بعدها، در کتاب غلاطیان، یکی از نامه های پولس به غلاطیان، حتی خواهیم دید که پطرس همیشه این کار را انجام نداد، که پطرس حتی با تصمیم شورای اورشلیم ناسازگار عمل کرد.

اما پاسخ به این سوال، آیا مردم، به ویژه غریبه‌ودیان، باید تسلیم شریعت موسی شوند تا قوم خدا شوند، برای نجات یافتن، پاسخ مورد توافق این بود، نه، آنها این کار را نمی کنند. این ایمان به عیسی مسیح کافی بود تا فرد را به عضوی واقعی از قوم خدا تبدیل کند و آن شخص نجات یابد. بنابراین این نتیجه گیری شورای اورشلیم بود.

باز هم، کلیسا صبح روز بعد از خواب بیدار نشد و همه چیز خوب بود و همه آن را پذیرفتند و از آن به بعد همه چیز به آرامی پیش رفت. باز هم مخالفت ها، سوء تفاهم ها و بحث هایی وجود داشت، اما به نظر می رسد که تصمیم شورای اورشلیم روز را پیروز کرد. و بنابراین، در کتاب اعمال رسولان، نویسنده زمان زیادی را صرف توصیف آن می کند.

و همانطور که گفتم، این احتمالا مهم ترین رویداد در کتاب اعمال رسولان است. بنابراین نتیجه باید این باشد که این رویداد که در اعمال رسولان 2 رخ داد، با ریختن روح القدس در مکان های بعدی، قلمرو غریبه‌ودیان، شروع به وقوع کرد. و بنابراین، نتیجه گیری، نتیجه این باید باشد، خوب، آن ها تجربیات واقعی بودند.

به این معنا که غریبه‌ودیان باید به عنوان قوم واقعی خدا پذیرفته و مورد استقبال قرار گیرند و پذیرفته شوند، حتی اگر آنها تابع شریعت موسی نباشند، مانند ختنه شدن، رعایت قوانین غذایی و غیره. بله، این سوال واقعا خوبی است. من نمی خواهم قبول شوم، نمی خواهم این سوال را نادیده بگیرم، اما می خواهم وقتی به غلاطیان می رسیم، زمان بیشتری را صرف صحبت در مورد آن کنم، به دلیل همین موضوع.

اما این سوال بسیار خوبی است. آیا بخش های خاصی از قانون وجود دارد؟ منظورم این است که آیا عیسی قصد داشت کل شریعت را کنار بگذارد؟ آیا بخش های خاصی از آن وجود داشت که مردم هنوز از آنها اطاعت می کردند؟ برخی از مسیحیان بین قانون اخلاق و تشریفات تمایز قائل شده اند. قوانینی که تشریفات بود، مربوط به قربانی و ختنه، قوانین غذایی و غیره کنار گذاشته شد.

قوانین اخلاقی، مانند نکش، قتل نکنید و غیره، که هنوز الزام آور است. وقتی به کتاب غلاطیان می رسیم می خواهم به آن موضوع برگردم زیرا فکر می کنم به وضوح در مورد نقش شریعت در زندگی قوم خدا صحبت می کند. این سوال بسیار خوبی است.

همچنین به یاد داشته باشید که به متی برگردیم، اگر به یاد داشته باشید که وقتی در مورد موعظه روی کوه صحبت کردیم، موعظه روی کوه در متی 5 با بیانیه عیسی آغاز می شود. او می گوید، من نیامده ام تا شریعت را لغو کنم، بلکه برای انجام آن آمده ام. و منظور عیسی این نیست که او کاملا از آن اطاعت کرد، اگرچه من موافقم که او این کار را انجام داده است، اما عیسی اساسا می گوید که من همان چیزی هستم که شریعت به آن اشاره کرد.

زندگی، خدمت و تدریس من چیزی است که شریعت واقعا به آن اشاره می کند. و این سوالی را ایجاد می کند که باز هم فکر می کنم غلاطیان به پاسخ آن کمک خواهند کرد، که احتمالا بسیاری از یهودیان را نیز ناراحت می کند. خوب، اگر غریبه‌ودیان مجبور نیستند تسلیم شریعت موسی شوند، پس چه چیزی را تشکیل می دهد؟ یا معیار اطاعت چیست، اگر شریعت موسی را نداشته باشند که آنها را راهنمایی کند؟ و کتاب غلاطیان نیز به آن پاسخ خواهد داد.

بنابراین، من می خواهم این سوال را مطرح کنم، این است که ما باید از کدام بخش از شریعت، قانون عهد عتیق، اگر وجود داشته باشد، اطاعت کنیم؟ آیا چیزی از آن وجود دارد که هنوز در حال اجرا یا الزام آور باشد؟ یا بخش هایی از آن هنوز الزام آور هستند و قسمت های دیگر اینطور نیستند؟ و اگر چنین است، چگونه در این مورد تصمیم بگیریم؟ این سوال بسیار خوبی است. وقتی به آنجا رسیدیم می خواهم استدلال کنم که به گفته پولس، فکر می کنم کل شریعت موسی دیگر برای مسیحیان الزام آور نیست. من فکر می کنم او نسبتا واضح است.

اما او همچنین روشن است که این بدان معنا نیست که ما می توانیم هر کاری که می خواهیم انجام دهیم و تابع هیچ فرمانی نیستیم، و این بدان معنا نیست که ما هیچ راهنمایی اخلاقی نداریم، و پولس نیز به این موضوع می پردازد. سوال بسیار خوبی است. بسیار خوب، اینها سه مورد اصلی هستند... من می خواهم به چند چیز منحصر به فرد دیگر در مورد اعمال رسولان نگاه کنم، اما در مورد هر یک از این متون سوالی دارید؟ چیز دیگری که می خواهم به آن اشاره کنم این است که آنچه در اعمال رسولان فصل 2 اتفاق می افتد در واقع اتفاق می افتد، یعنی روح القدس ریخته می شود، مردم به زبان ها صحبت می کنند و غیره، این بارها در طول اعمال رسولان تکرار می شود.

دوباره، گویی نویسنده می خواهد بگوید، آنچه در اورشلیم برای رسولان عیسی و سایر پیروان اتفاق افتاد، اکنون تکرار می شود، اما همانطور که انجیل از قلمرو یهودیان خارج می شود و به سرزمین های کمتر و کمتر یهودی می رود، به سرزمین های غریبه‌ودی تر. بنابراین، آنچه در اعمال رسولان باب 2 برای یهودیان اتفاق افتاد چندین بار دیگر در سراسر کتاب اعمال رسولان با غریبه‌ودیان تکرار می شود. اغلب شما این ایده را دارید که تنها نتیجه گیری این است که غریبه‌ودیان باید قوم واقعی خدا باشند، زیرا همان اتفاقی که برای آنها می افتد همان چیزی است که در اعمال رسولان 2 برای رسولان عیسی و پیروان بلافصل اتفاق افتاد.

بنابراین، غریبه‌ودیان نیز باید قوم خدا باشند، زیرا همین اتفاق برای آنها نیز می افتد. بسیار خوب، دو ویژگی کتاب اعمال رسولان که می خواهم روی آنها تمرکز کنم چیزی است که اغلب سفرهای میسیونری یا سفرهای پولس نامیده می شود که بخش بزرگی از کتاب اعمال رسولان را اشغال می کند، و من از شما انتظار دارم که کل این نقشه را کپی کنید. نه من انجام نادم.

من فقط شوخی می کنم. فقط می خواهم به شما نشان دهم، فقط می خواهم نشان دهم که چگونه کتاب اعمال رسولان، حتی سفرهای بشارتی پولس، با این نوع ساختار متحدالمرکز اعمال رسولان مطابقت دارد. بنابراین در اینجا اورشلیم را دارید، به نوعی نقطه شروع، و این خط نقطه چین قرمز، که شما نمی توانید آن را به خوبی ببینید، اولین سفر بشارتی پولس است، و می توانید ببینید که واقعا گسترده نیست، اما به وضوح به قلمرو غریبه‌ودیان می رود.

بنابراین، اینجا سرزمین فلسطین و اورشلیم است، و بنابراین اولین سفر بشارتی پولس او را به قلمرو غریبه‌ودیان می برد. بنابراین، این خط بنفش نشان دهنده دومین سفر بشارتی پولس است، بنابراین سه مورد از آنها در اعمال رسولان وجود دارد. همانطور که می بینید، دومین سفر بشارتی او را به یونان می برد و حتی از اورشلیم دورتر می شود، و سپس سومین سفر بشارتی در این نوع سبز، با این خط سبز، او را نیز به برخی از

همان سرزمین ها می برد، اما به وضوح این با الگوی اعمال رسولان مطابقت دارد که در آن انجیل اکنون بسیار فراتر از اورشلیم گسترش می یابد تا مردمی را در بر بگیرد که اصلاً یهودی نیستند.

و در نهایت، این خط نارنجی با پولس در روم به پایان می رسد، جایی که کتاب اعمال رسولان به پایان می رسد. و سوالات زیادی در رابطه با این وجود دارد. برخی تعجب کرده اند که چرا اعمال رسولان با پولس در روم به پایان می رسد.

احتمالاً به این دلیل که این تنها کاری است که اعمال رسولان باید انجام دهد. فقط باید نشان دهد که پولس به روم رسید تا نشان دهد که تحقق اشعیا، که انجیل به اقصی نقاط زمین خواهد رسید، با رسیدن پولس به روم اتفاق افتاده است. اکنون که این اتفاق می افتد، اعمال رسولان روایت خود را همانجا به پایان می رساند.

بنابراین، این فقط به شما نشان می دهد که چقدر سفرهای پولس و بسیاری از کتاب اعمال رسولان چقدر است. فکر می کنم بیشتر کتاب اعمال رسولان، فصل 9 بازگشت پولس را آغاز می کند. بیشتر بقیه کتاب اعمال رسولان بر پولس و سفرهای او تمرکز دارد.

بگذارید دو چیز در مورد آنها بگویم. شماره یک این است که به یک معنا، احتمالاً این سفرهای برجسب گذاری شده کاملاً دقیق نیستند، زیرا تصویر چندان از پل نیست که فقط به یک سفر می رود و در نهایت به خانه برمی گردد، اگرچه این بخشی از آن است. اما وقتی اعمال رسولان را با دقت می خوانید، متوجه می شوید که او در واقع تا یک سال و نیم یا دو سال در تعدادی از این شهرها اقامت گزید.

بنابراین، او در واقع خانه می خرید و اقامت می گرفت، حتی یک کسب و کار راه اندازی می کرد و مدتی در برخی از این شهرها می ماند. در زمان های دیگر، شهرهای دیگری که در آن بود بسیار کوتاه تر بودند. یکی از شهرهایی که بعداً در رابطه با یکی از نامه های پل در مورد آن صحبت خواهیم کرد این است که او توسط یک گروه لینچ بیرون رانده شد زیرا از او ناراحت بودند.

اما اساساً، فلسفه پولس این بود که به یکی از این شهرها برود و تا زمانی که برای ایجاد یک جامعه جدید، یک کلیسا لازم بود، در آنجا بماند و سپس به یک جامعه دیگر برود. بنابراین، آنها احتمالاً سفرهایی با بهترین برجسب نیستند، اما احتمالاً کلمه بهتری وجود ندارد، بنابراین این همان چیزی است که ما از آن استفاده خواهیم کرد. دومین نکته ای که باید در مورد این سفرها به آن توجه کرد این است که بیشتر این شهرهایی که پولس در این سفرها از آنها بازدید می کند، شهرهایی هستند که پولس به آنها نامه می نویسد و در بقیه عهد جدید می یابیم.

همانطور که گفتیم، کتاب اعمال رسولان پلی فوق العاده بین انجیل ها و بقیه عهد جدید فراهم می کند. بنابراین، ما پولس را داریم که از شهرهایی مانند افسوس بازدید می کند و از او می خواهیم که از شهرهایی مانند قرنتس و تعدادی از شهرهای دیگر بازدید کند. در تسالونیک، پولس را می بینیم که از شهرهایی بازدید می کند که در نهایت در نامه های پولس بعداً در عهد جدید به آنها اشاره می شود.

بنابراین دوباره، اعمال رسولان از برخی جهات به نوعی مقدمه ای برای بقیه عهد جدید ارائه می دهد. همانطور که گفتیم، سایر ویژگی های کلیدی مانند پطرس، ما نامه های پطرس را داریم، بنابراین شخصیت های کلیدی دیگری را که در بقیه عهد جدید نیز می یابید، معرفی می کند. یکی دیگر از موضوعات کلیدی نقش روح القدس در اعمال رسولان است.

درست مانند لوقا، ما گفتیم که یکی از موضوعات کلیدی در لوقا روح القدس بود، و این در اعمال رسولان نیز مورد توجه قرار می گیرد، با این تفاوت که اکنون با اعمال رسولان، دو چیز وجود دارد که باید تشخیص داد.

اول از همه، روح القدس در اعمال رسولان در سازماندهی تعدادی از رویدادها در سراسر کتاب اعمال رسولان، ترتیب دادن و آوردن مردم به مکان های خاص نقش دارد. بنابراین، روح القدس نقش بسیار فعالی در آنچه در کتاب می گذرد ایفا می کند، تا جایی که برخی معتقدند که اصطلاح بهتر برای کتاب اعمال رسول نیست، بلکه اعمال روح القدس است.

ممکن است حقیقتی در آن وجود داشته باشد. اما دوم، همانطور که قبلاً گفتیم، ذکر روح القدس در سراسر اعمال رسولان همیشه باید به عنوان حضور روح القدس عهد جدید که در عهد عتیق وعده داده شده است، درک شود. بنابراین، به یاد داشته باشید، حضور روح القدس در اعمال رسولان چیزی کاملاً جدید یا مسیحی نیست، بلکه چیزی است، حضور روح القدس که در عهد عتیق در رابطه با عهد جدید آینده وعده داده شده و پیشگویی شده است که خدا روزی با قومش احیا یا عمل خواهد کرد.

اکنون با حضور روح القدس در اعمال رسولان، عهد جدید قبلاً محقق شده است. نکته دیگری که باید در مورد اعمال رسولان بگوییم، این است که اعمال رسولان سؤالاتی را در مورد نحوه خواندن آن ایجاد می کند. این اهمیت آن است.

بنابراین، چه چیزی در مورد کتاب اعمال رسولان بسیار مهم است؟ و چگونه باید آن را بخوانیم؟ و به ویژه، چگونه آن را به کار ببریم؟ و چیزی که من در ذهن دارم این است که چگونه در حالی که در کتاب اعمال رسولان حرکت می کنیم، با این قسمت هایی که نشانه ها و شگفتی های معجزه آسای را به تصویر می کشند چه کنیم؟ به عنوان مثال، در اعمال رسولان فصل 2، به نظر می رسد که همه حاضران به زبان ها صحبت می کنند. و سوال این است که آیا وقتی اعمال رسولان را می خوانید و چیزهایی از این قبیل را می خوانید، چگونه می توانیم این را بخوانیم و آن را به کار ببریم؟ آیا ما باید اینها را به عنوان هنجاری در نظر بگیریم؟ برای تجربه امروز ما یا به روش دیگری؟ و به عنوان مثال، به عنوان مثالی از آن، می خواهیم اعمال رسولان فصل 8 را بخوانم. و دوباره، در حالی که انجیل در حال گسترش فراتر از اورشلیم است، در فصل 8، این چیزی است که ما می خوانیم. حال، وقتی رسولان در اورشلیم آن سامره را شنیدند، پس این انجیل است که به سامره می رود.

هنگامی که حواریون در اورشلیم شنیدند که سامره کلام خدا را پذیرفته است، پطرس و یوحنا را نزد آنها فرستادند. حالا این را در نظر داشته باشید. جالبه، چرا آنها پیترو و یوحنا را انتخاب کردند؟ هر دوی آنها پایین رفتند و برای آنها دعا کردند، زیرا سامریان که انجیل را پذیرفته بودند، دعا کردند تا روح القدس را دریافت کنند.

زیرا هنوز روح بر هیچ یک از آنها نیامده بود، آنها فقط به نام خداوند عیسی مسیح تعمید گرفته بودند. آنگاه پطرس و یوحنا دست خود را بر آنها گذاشتند و روح القدس را دریافت کردند. و من در اینجا متوقف می شوم.

داستان و چیزهای جالب دیگری در فصل 8 وجود دارد، اما من می خواهم در اینجا متوقف شوم. بنابراین، دوباره، همانطور که انجیل در سراسر اعمال رسولان پخش می شود، برای مثال، با اعمال رسولان فصل 2 شروع می شود، روح القدس ریخته شده است، و مردم به زبان ها صحبت می کنند تا نشان دهند که روح القدس را دریافت کرده اند، به عنوان نمایی در تحقق عهد عتیق، که نجات عهد جدید اکنون به آنها رسیده است، و روح القدس اکنون ریخته شده است، و آنها به زبانها صحبت می کنند، و گاهی اوقات همه این چیزهای جالب، این نشانه ها و شگفتی ها رخ می دهد. و سپس این سوال مطرح می شود که ما باید از آن چه بدانیم؟ منظوری این است که وقتی کتاب اعمال رسولان را می خوانیم، آیا باید آن را به گونه ای بخوانیم که آن را توصیف یک تجربه نسبتاً هنجاری ببینیم، به طوری که باید کتاب اعمال رسولان را بخوانیم و انتظار داشته باشیم که اینگونه برای ما اتفاق بیفتد، و اینگونه باید اتفاق بیفتد؟ اول از همه، اجازه دهید در مورد این عبارت، نشانه ها و شگفتی ها چیزی بگوییم.

اول از همه، همانطور که قبلاً گفتم، به نظر می‌رسد نشانه‌ها و شگفتی‌ها، مانند زبان‌ها و شفا‌ها و رویدادهای معجزه‌آسا برای شهادت حضور روح القدس و این نجات عهد جدید عمل می‌کنند. بنابراین همانطور که روح القدس بر مردم هنگام پاسخ دادن به انجیل ریخته می‌شود، و همانطور که به سرزمین‌های مختلف، کمتر و کمتر یهودی‌گسترش می‌یابد، این نشانه‌ها و شگفتی‌ها با آن همراه هستند، شاید به عنوان نشان دادن اینکه همان چیزی که در اعمال رسولان 2 برای یهودیان اتفاق افتاد اکنون برای غیریهودیان نیز اتفاق می‌افتد. بنابراین، این نشانه‌ها و شگفتی‌ها با گسترش انجیل همراه است زیرا به سرزمین‌هایی می‌رود که نبوده است.

نشان داده شده است که حضور انجیل و روح القدس با این نشانه‌ها و شگفتی‌ها نشان داده می‌شود. با این حال، نکته دیگر نیز این است که من همچنین متقاعد شده‌ام که نشانه‌ها و شگفتی‌ها احتمالاً دوباره به عهد عتیق باز می‌گردند. این کتاب سرگردانی اسرائیلی‌ها در بیابان و نشانه‌ها و شگفتی‌ها، چیزهای معجزه‌آسا مانند عبور از دریای سرخ و تدارک معجزه‌آسای من و غیره را به یاد می‌آورد.

همه آن چیزها قوم خدا را در بیابان همراهی می‌کردند. بنابراین، من همچنین فکر می‌کنم نشانه‌ها و شگفتی‌ها پس زمینه عهد عتیق نیز دارند. اما سوال این است که آیا وقتی کتاب اعمال رسولان را می‌خوانیم، این نشانه‌ها و معجزات هستند، چگونه باید با این رویدادها برخورد کنیم؟ باز هم، اعمال رسولان پر از نمونه‌هایی است که در اعمال رسولان فصل 8 می‌بینیم. مشکل این است که وقتی اعمال رسولان را می‌خوانید، به نظر نمی‌رسد که همیشه ثبات وجود داشته باشد.

گاهی اوقات مردم وقتی به انجیل پاسخ می‌دهند، روح القدس را بلافاصله دریافت می‌کنند. گاهی اوقات این با صحبت کردن به زبانها و سایر نشانه‌های معجزه‌آسا همراه است. گاهی اوقات اینطور نیست.

در اعمال رسولان فصل 8، مردم به انجیل پاسخ می‌دهند، اما بلافاصله روح القدس را دریافت نمی‌کنند. بنابراین، مشکل این است که به نظر نمی‌رسد ثبات زیادی در سراسر اعمال رسولان وجود داشته باشد. به عبارت دیگر، همیشه به یک شکل اتفاق نمی‌افتد.

پس چگونه به این سوال پاسخ دهیم؟ اعمال رسولان هنجاری است یا توصیفی؟ یعنی آیا اعمال رسولان الگویی را ایجاد می‌کند که باید درست باشد یا همیشه اتفاق می‌افتد؟ این امر هنجاری خواهد بود. آیا اعمال رسولان این هنجار را توصیف می‌کند که هر زمان که انجیل پخش می‌شود یا کسی با ایمان به عیسی مسیح پاسخ می‌دهد، این باید اتفاق بیفتد؟ یا توصیفی است؟ آیا اعمال رسولان بیشتر علاقه‌مند است که نگوید اینگونه است که باید اتفاق بیفتد، بلکه فقط بگوید که این روشی است که اتفاق افتاده است؟ این به سادگی توضیح می‌دهد که چگونه انجیل به سرزمین‌های کمتر و کمتر یهودی‌گسترش یافت. و به سادگی، این چیزی است که اتفاق افتاده است.

این تلاش برای ارائه مدل یا الگویی برای روشی که باید باشد به ما نمی‌دهد. به نظر من، من تعجب می‌کنم که آیا بخشی از پاسخ هر دو نیست. اعتراف می‌کنم که گاهی اوقات دوست دارم از حصار عبور کنم تا مجبور نباشم تصمیمی بگیرم، اما گاهی اوقات فکر می‌کنم این مشروع است، و این یک نمونه است.

به عبارت دیگر، من فکر می‌کنم کتاب اعمال رسولان قوم خدا را فرا می‌خواند تا از خدا انتظار داشته باشند که به روش‌های معجزه‌آسا کار کند، زیرا مژده او به افراد مختلف گسترش می‌یابد. با این حال، در عین حال، اعمال رسولان لزوماً به ما نمی‌گوید که باید چه شکلی باشد. و من فکر می‌کنم این از خواندن اعمال رسولان طبیعی است.

باز هم، این واقعیت که هر بار به یک شکل اتفاق نمی افتد، من فکر می کنم اعمال رسولان در درجه اول به سادگی توضیح می دهد که چگونه انجیل به سرزمین های کمتر و کمتر یهودی گسترش یافت. و بنابراین، بخش هنجاری این است که، من فکر می کنم که بله، خدا به روش های معجزه آسای که با گسترش مژده اش همراه است، کار می کند و می تواند کار کند، اما بخش توصیفی این است که اعمال رسولان به ما نمی گوید که چگونه باید به نظر برسد یا چگونه باید هر بار اتفاق بیفتد. به همین دلیل است که گاهی اوقات وقتی مردم به انجیل پاسخ می دهند، به زبان ها صحبت می کنند و گاهی اوقات نه.

در اعمال رسولان ۸ میلادی، مردم به انجیل پاسخ می دهند، اما بلافاصله روح القدس را دریافت نمی کنند، در حالی که در جاهای دیگر، مردم بلافاصله روح القدس را دریافت می کنند. گاهی روی آنها دست می گذارند، گاهی اوقات نه. بنابراین دوباره، اعمال رسولان از این نظر توصیفی است.

این تلاش نمی کند دقیقا به ما بگوید که روح خدا چگونه باید کار کند و حرکت کند، زیرا نجات عهد جدید گسترش می یابد تا توسط افراد مختلف پذیرفته شود. حال، با توجه به آن، بیا بید دوباره به اعمال رسولان نگاه کنیم. چه چیزی را می توانیم توضیح دهیم؟ همانطور که اعمال رسولان را می خوانیم، آیا می توانیم توضیح دهیم که چرا این اتفاق افتاد؟ به عبارت دیگر، دوباره، ترتیب در مقایسه با اعمال رسولان ۲، این نظم نسبتا منحصر به فرد است.

مردم به انجیل پاسخ داده اند، حتی تعمید گرفته اند، اما روح القدس را دریافت نکرده اند. و پطرس و یوحنا باید نزد مردم بروند و دستشان را روی آنها بگذارند تا روح القدس را دریافت کنند. حالا دوباره، اگر این به ما یک هنجار نمی دهد و می گوید که این چیزی است که باید اتفاق بیفتد، زیرا دوباره، برخی از متون دیگر را بخوانید.

گاهی اوقات روح زمانی بر مردم می آید که دستشان روی آنها گذاشته نمی شود. گاهی اوقات آنها به زبان ها صحبت می کنند، گاهی اوقات نمی گویند که به زبان ها صحبت می کنند. اما آیا می توانیم توضیح دهیم که در این متن چه می گذرد؟ فکر می کنید چرا فکر می کنید که روح القدس در اعمال رسولان ۸ بر این مسیحیان نازل نشد تا زمانی که دو رسول به آنجا رسیدند؟ و فکر می کنید چرا پطرس و یوحنا بودند و مجبور شدند دستشان را روی آنها بگذارند؟ به عبارت دیگر، فکر می کنید چرا این اتفاق در اینجا در اعمال رسولان فصل ۸ رخ داد؟ باشه؟ بسیار خوب، این خیلی جالب است.

بنابراین در اینجا دو رسول به چیزی که قبلا نجس بود، یعنی سامریان دست می زنند. آن را از دست ندهید. آنها به سامره می روند.

آنها به سامره می روند، به سامری هایی که احتمالا به انجیل پاسخ داده اند. و اکنون آنها را لمس می کنند و روی آنها دست می گذارند و نشان می دهند که اکنون افرادی را لمس می کنند که اکثر یهودیان آنها را نجس می دانستند. زیرا باز هم در مورد رابطه بین یهودیان و سامریان صحبت کردیم که رابطه خوبی نبود.

طبق انجیل لوقا، آنها طرد شده اجتماعی بودند. پس چرا فکر می کنید مهم است که آمدن روح القدس به تأخیر بیفتد تا زمانی که پطرس و یوحنا به آنجا برسند و بتوانند روی آنها دست بگذارند؟ در مورد آن فکر کنید. اینها سامری هستند.

چرا آنها بلافاصله روح القدس را دریافت نکردند تا اینکه پطرس و یوحنا، دو نفر از مهمترین آنها، نقشی را که پطرس در انجیل ها ایفا کرده است به یاد بیاورند و اکنون در اعمال رسولان، او سخنگوی است که در اعمال رسولان ۲ برخاست و توضیح داد که چه اتفاقی در حال رخ دادن است. چرا به یاد داشته باشید که اینها سامریان هستند، چرا روح القدس را دریافت نمی کنند تا زمانی که پطرس و یوحنا، دو تن از مشهورترین

رسولان اورشلیم، به آنجا برسند و دست خود را بر آنها بگذارند؟ منظورم این است که خب چی؟ باز هم، از این نقطه نظر که اینها سامریان هستند، چقدر مهم است؟ این واقعیت که آنها سامری هستند، چرا این ضروری بود؟ چه اتفاقی می افتاد اگر سامریان به محض ایمان آوردن روح القدس را دریافت می کردند؟ و سپس این خبر پخش می شود، آه، سامریان، این سامریان نیز روح القدس را دریافت کرده اند. پاسخ اکثر مردم، بیشتر مسیحیان یهودی چه بود؟ بله، به هیچ وجه، این قانونی نیست.

اینها این سامری های منزجر کننده هستند. بنابراین، با به تأخیر انداختن آمدن روح تا زمانی که پطرس و یوحنا بتوانند به آنجا برسند و روی آنها دست بگذارند، اکنون شواهد غیرقابل انکاری وجود دارد. هیچ نمی تواند با پطرس و یوحنا که دست بر آنها گذاشتند و شاهد این بودند که سامریان نیز روح القدس را دریافت کرده اند، بحث کند.

بنابراین، دوباره، شما می بینید که اتفاقات مختلفی رخ می دهد زیرا انجیل شروع به عبور از موانع نژادی و فرهنگی می کند و به سرزمین های کمتر یهودی گسترش می یابد. در این مورد، لازم بود که روح القدس تا زمانی که پطرس و یوحنا بتوانند به آنجا برسند، نگه داشته شود تا هیچ بحثی وجود نداشته باشد که این سامری های نفرت انگیز نیز واقعا قوم خدا بودند و روح القدس را به همان روشی که مسیحیان یهودی در اعمال رسولان فصل 2 دریافت کردند، دریافت کرده بودند.

این تاریخ و ادبیات عهد جدید دکتر دیو متیوسون، سخنرانی ۱۳، کتاب اعمال رسولان است.